



پیش‌بینی گرایش به خودکشی دانشجویان براساس معنویت و ارضای نیازهای اساسی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۱۰

دریافت مقاله: ۹۶/۱/۹

محمداسماعیل ابراهیمی (PhD)^{۱*}

امید شیری پور (MSc)^۲

نگرش زمانی (PhD)^۳

علی صاحبی (PhD)^۴

۱. گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۲. گروه روانشناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۳. باشگاه پژوهشگران جوان، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۴. موسسه ویلیام گلاسر، سیدنی، استرالیا.

چکیده

سابقه و هدف: خودکشی به عنوان عملی در جهت اعتباربخشی به زندگی و یا رها کردن همه چیز، تفسیر می‌شود، لذا، هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقض در معناجویی و عدم ارضای نیازهای اساسی گلاسر با گرایش به خودکشی در دانشجویان است.

مواد و روش‌ها: طرح پژوهش حاضر بنیادی، از لحاظ روش جزو مطالعات توصیفی همبستگی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان دوره کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان تشکیل دادند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در دانشکده‌های مختلف این دانشگاه به تحصیل مشغول بودند. حجم نمونه این پژوهش ۱۰۷ نفر بود. روش انتخاب نمونه پژوهش به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود که آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های افکار خودکشی، طرحواره‌های ناسازگار یانگ، معناجویی و نیازهای اساسی گلاسر پاسخ دادند و نتایج با روش‌های آماری بررسی گردید. به منظور بررسی فرضیه‌ها از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین شدت نیازهای اساسی در نظریه گلاسر و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و همچنین معنا در زندگی با گرایش به خودکشی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان رابطه معنی‌داری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد رابطه بین نیازهای اساسی گلاسر و معنای زندگی با گرایش به خودکشی یک رابطه معکوس می‌باشد، که این نشان‌دهنده آن است که با کاهش سطح ارضای نیازهای اساسی گلاسر و عدم معنا در زندگی، گرایش به خودکشی در دانشجویان افزایش پیدا می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، معنا جویی، نیازهای اساسی، خودکشی

Email: ms.ebrahimi@iauh.ac.ir

تلفن: +۹۸ ۹۱۸۵۴۱۰۲۱۹

فاکس: +۹۸ ۸۱ ۳۴۲۹۷۵۱۲

مقدمه

کامل است (۲). خودکشی یک فرآیند پیچیده است که عوامل متعددی در بروز و رخداد آن ایفای نقش می‌کنند که اهم آنها عبارتند از: اختلالات روانی، سوء مصرف مواد، وضعیت روحی و روانی، فرهنگ، خانواده، وضعیت اجتماعی و حتی ژنتیک (۳). افسردگی برای برخی افراد، به قدری عذاب‌آور است که افکارشان مکرراً به سمت گریختن از شکنجه‌ای که هر روز تجربه می‌کنند، گرایش می‌یابد. با این حال همه خودکشی‌ها به قصد خاتمه دادن به زندگی صورت نمی‌گیرد. برخی اقدامات خودکشی درخواست کمک توسط افرادی است که باور دارند تنها راهی که می‌توانند از دیگران کمک بگیرند دست زدن به اقدامات خطرناک است (۴). یکی از دلایل رفتارهای کنونی ثابت در طرحواره است که احتمالاً منجر به رفتارهای مخاطره‌آمیز مانند خودکشی می‌شود. طرحواره‌ها باورهای عمیق و مستحکم فرد در مورد خود و جهان هستند و حاصل آموزه‌های سال‌های نخستین زندگی‌اند. طرحواره‌ها دانش ما در مورد خودمان و جهان هستند و به ما می‌گویند چگونه‌ایم و جهان چگونه است (۵). طرحواره‌های ناسازگار اولیه از جمله سازه‌های جدید و مهمی است که به بررسی سبک پردازش‌شناختی و نحوه اثرگذاری آن بر پردازش هیجانی و سلامت و بهزیستی در انسان می‌پردازد. طرحواره‌های ناسازگار، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسان در فرد هستند که در ابتدای رشد و

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌ای اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب می‌شوند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدیدار می‌گردد و مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام در جهت اصلاح، رفع و یا پیشگیری از آنها وا می‌دارد. از آنجاییکه این پدیده برای نظام بهداشت و درمان کشور پرهزینه است و با معیارهای ارزشی و فرهنگی کشور ما سازگار نیست یک مشکل جدی محسوب می‌شود. رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی و روانی در جوامعی که حالتی انتقالی را طی می‌کنند، امری گریزناپذیر است (۱).

خودکشی مهمان ناخوانده نیست که بی‌خبر وارد شود بلکه وقوع آن همیشه به دنبال یک پیش‌زمینه قبلی رخ می‌دهد. خودکشی به عنوان عملی در جهت اعتباربخشی به زندگی و یا رها کردن همه چیز، تفسیر می‌شود. در این دیدگاه، خودکشی به دلیل جبرگرایی یا اضطراب کامل و افسردگی اتفاق می‌افتد. زیرا جریان رویدادها چنان روشن است که تنها کار ممکن رها کردن صحنه به طور

تحول در ذهن شکل گرفته، در مسیر زندگی تکرار می‌شوند (۶). بر طبق نظر یانگ طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه، الگوهای درون‌مایه عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته، در سیر زندگی تداوم دارند، به رابطه‌ی فرد با خود و با دیگران مربوط می‌شوند و به شدت ناکارآمد هستند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به علت ارضاء نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند، نیازهای بنیادینی همچون دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و محدودیت واقع‌بینانه (۷). یانگ هجده طرحواره ناسازگارانه را در قالب پنج حوزه طرحواره معرفی می‌کند و زمانی که این طرحواره‌ها فعال می‌شوند می‌توانند بر اداراک واقعیت و پردازش شناختی فرد اثر بگذارند (۸). یکی از این حوادثی که باعث فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شود، و احتمالا می‌تواند گرایش به خودکشی را تبیین نماید بی‌معنایی در زندگی است. معنایی در زندگی به عنوان مرکز ثقل مدل در نظر گرفته شده است که به عنوان قدرت شدن (رشد)، فعالیت، تمایل و تلاش افراد برای ایجاد یا تکمیل درک آنها از معنا، اهمیت و هدف در زندگی آنقدر مهم است که اختلال در آن، آشفته‌گی روانشناختی را به همراه دارد.

از نظر فرانکل (۹) انسانها به واسطه اراده برای یافتن معنا در زندگی که یک انگیزه ذاتی است، برانگیخته می‌شوند و انگیزه و تمایل برای جستجوی معنا در واکنش به رویدادهای آزاردهنده زندگی بیشتر می‌باشد. آنچه که به نظر می‌رسد در زمینه معنایی در زندگی، در افراد افسرده و مستعد افسردگی نقش پررنگ‌تری داشته باشد، مبتنی بر عقیده فرانکل در مورد تفاوت ارزش‌های نگرشی و ارزش‌های تجربی است. در ارزش تجربه‌ای، منبعی مانند تجربه داشتن روابط با دیگران و گرفتن تأیید از آنها، به عنوان مهمترین منبع معنایی در زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد و با از دست دادن روابط و تأییدهای اجتماعی، معنای زندگی فرد نیز کاملاً از دست می‌رود. در حالی که اگر فرد به دنبال ارزش نگرشی باشد، از دست دادن روابط، آزاردهنده نخواهد بود و نگرش فرد به او کمک می‌کند تا بر موقعیت کنونی چیره شود و حتی رنج وارد شده را نیز تحمل کند (۱۰). فقدان معنا در زندگی می‌تواند با عوامل فشارزای روانشناختی مرتبط باشد. نداشتن معنا در زندگی با متغیرهایی چون نیاز زیاد به درمان‌های روانشناختی افسردگی و اضطراب نشانه‌های خودکشی و سوء مصرف مواد رابطه داشته باشد. همچنین در پژوهش‌هایی نشان داده شد که بین افسردگی و وجود معنا در زندگی رابطه معناداری بدست آمد (۱۱). حال با توجه به تمامی مطالب گفته شده در بالا از طرفی به علت نبود تحقیقات اساسی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقص در معنایی، عدم ارضای نیازهای اساسی گلاس با گرایش به خودکشی در دانشجویان رابطه دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از حیث هدف جزو مطالعات بنیادی، از لحاظ روش جزو مطالعات توصیفی - همبستگی مقایسه‌ای و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات جزو مطالعات کمی است. از جمله روش‌های نمونه‌گیری که در برخی از موارد مناسب‌تر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده عمل می‌کند، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. یک نمونه‌ی خوشه‌ای نمونه‌ای احتمالی است که در آن هر واحد نمونه‌گیری مجموعه‌ای یا گروهی از اعضا است. روش این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق میدانی می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان دوره کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجویان آزاد اسلامی واحد همدان تشکیل خواهند داد که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ در دانشکده‌های مختلف این دانشگاه به تحصیل مشغول هستند. بر این اساس تعداد ۱۰۷ نفر که با توجه به فرمول ارائه شده توسط فیدل و تابچینک و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - چند مرحله‌ای انتخاب و پرسشنامه افکار خودکشی بک، معنا در زندگی استگر، پرسشنامه طرحواره یانگ و پرسشنامه نیازهای اساسی گلاس در بین آنها توزیع گردید. محقق برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا پرسشنامه‌ها را به صورت میدانی در بین آزمودنی‌ها در دانشکده‌های مختلف کلاس‌هایی که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌باشند، توزیع کرد و به جهت درک بهتر سوالات پرسشنامه برای دانشجویان، توضیحاتی در زمینه سوالات و موضوع پژوهش به آنان داده شد. سپس پرسشنامه‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها جمع‌آوری شد. پژوهشگر با سرکشی به دانشکده‌های موجود در دانشگاه از جمله دانشکده علوم انسانی و دانشکده علوم پایه وفی مهندسی و دیگر دانشکده‌ها پرسشنامه‌ها در اختیار نمونه‌هایی که بصورت خوشه‌ای انتخاب می‌شدند قرار می‌داد و بعد از تکمیل از آنها تحویل گرفته می‌شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرها استفاده شد که به علت نرمال نبودن داده‌ها، از آزمون همبستگی اسپیرمن جهت ارتباط بین دو متغیر با مقیاس کمی استفاده شد و به علت نرمال نبودن داده‌ها امکانی جهت پیشگویی متغیرهای ملاک بر اساس متغیرهای پیش‌بین نبود سپس داده‌ها توسط نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۲۲ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای گردآوری داده‌ها: پرسشنامه افکار خودکشی بک: این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی ۱۹ سواله است که به منظور سنجش نگرش، افکار و برنامه‌ریزی برای خودکشی طراحی شده است (۱۲). در این پرسشنامه ۵ سوال اول به منظور غربالگری، طرح شده است به طوری که اگر دانشجویان به ۵ سوال اول، نمره صفر دهند فاقد افکار خودکشی هستند. بین نمره ۱ تا ۵ نشان‌دهنده داشتن افکار خودکشی، نمره ۶ تا ۱۹، نشان‌دهنده آمادگی جهت خودکشی و نمره ۲۰ تا ۳۸ نشانگر قصد اقدام به خودکشی است. این پرسشنامه یک ابزار معتبر و پایا جهت سنجش افکار خودکشی است که در مطالعه دانیتز و همکاران همبستگی درونی این آزمون ۰/۸۹ و پایایی بین آزماینده ۰/۸۳ = I گزارش شده است. همچنین در یک مطالعه دلچر و دارلی همزمان این آزمون در مقیاس سنجش خطر خودکشی معادل ۰/۶۹ = I بدست آمده است این پرسشنامه به فارسی ترجمه شده است و روایی همزمان آن با پرسشنامه سلامت عمومی برابر با ۰/۷۶ و اعتبار آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ به دست آمده است.

نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (فرم کوتاه) (YSQ-SF): نسخه اصلی پرسشنامه طرحواره، توسط یانگ (۱۳) برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه ساخته شده است. همچنین در شکل کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ ۱۵ طرحواره ناسازگارانه اولیه بر اساس فرم اصلی تهیه شده است. فرم بلند ۲۰۵ سوال دارد و فرم کوتاه ۷۵ سوال دارد. هر سوال بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط، تقریباً غلط، بیشتر درست تا غلط، اندکی درست، تقریباً درست، کاملاً درست) نمره‌گذاری می‌شود. در فرم کوتاه، هر طرحواره توسط پنج سوال سنجیده می‌شود. در این پرسشنامه، نمره بالا نشان‌دهنده طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه

شامل نیاز به بقاء (سوال‌های ۱ الی ۷)، عشق و تعلق (سوال‌های ۸ الی ۱۴)، قدرت (سوال‌های ۱۵ الی ۲۱)، آزادی (سوال‌های ۲۲ الی ۲۸) و تفریح (سوال‌های ۲۹ الی ۳۵) است و هر یک از آیت‌ها بر اساس مقیاس لیکرتی می‌باشند. ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۵ آیت مقیاس ۰/۹۲ گزارش گردید و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب عبارتست از: ۰/۷۱ برای بقاء، ۰/۶۹ برای عشق و تعلق، ۰/۶۹ برای قدرت، ۰/۷۵ برای آزادی و ۰/۷۱ برای تفریح (۱۵).

یافته‌ها

بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با گرایش به خودکشی در دانشجویان رابطه وجود دارد. جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه، محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، شکست‌خورده، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، اطلاعات، ایثار، بازداری هیجانی و استحقاق، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ دارند، پس با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت بین این مقیاس‌ها و گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری وجود دارد و سطح معنی‌داری آزمون برای مقیاس خویشن‌داری/ خودانضباطی ناکافی از ۰/۰۵، کمتر است پس با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت این مقیاس هم با گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری دارد، اما از طرفی مشخص است ضریب همبستگی در این زیر مقیاس‌ها مثبت و مستقیم می‌باشد، به این معنی که با افزایش هر یک از این مقیاس‌ها گرایش به خودکشی افزایش می‌یابد.

جدول ۱. آزمون اسپیرمن به منظور بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با گرایش به خودکشی

محرومیت هیجانی	رها شدگی	بی‌اعتمادی/بدرفتاری	انزوای اجتماعی	نقص و شرم	شکست خورده	وابستگی/بی‌کفایتی	آسیب‌پذیری به ضرر
۰/۳۷۲	۰/۱۴۰	۰/۵۳۲	۰/۶۱۰	۰/۴۹۹	۰/۴۲۳	۰/۵۷۵	۰/۳۹۴
۰/۰۰۲	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
۰/۱۳۸	۰/۰۱۹	۰/۲۸۳	۰/۳۷۲	۰/۲۴۹	۰/۱۷۸	۰/۳۳۰	۰/۱۵۵
گرفتاری/ در دام افتادگی	اطاعت	ایثار	بازداری هیجانی	معیارهای سرسختانه	استحقاق	خویشن‌داری	
۰/۲۰۳	۰/۳۰۷	۰/۳۳۰	۰/۳۷۲	۰/۱۰۶	۰/۳۳۸	۰/۲۹۱	
۰/۰۹۱	۰/۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۳۸۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	
۰/۰۴۱	۰/۰۹۴	۰/۱۰۸	۰/۱۲۸	۰/۰۱۱	۰/۱۱۴	۰/۰۸۴	

بین نقص در معناجویی با گرایش به خودکشی در دانشجویان رابطه وجود دارد. اطلاعات بدست آمده از جدول ۳، نشان می‌دهد که از بین مقیاس‌های نقص در معناجویی، وجود معنا سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ دارد پس با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت بین این مقیاس و گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری وجود دارد و از طرفی مشخص است ضریب همبستگی در این زیرمقیاس منفی است بنابراین رابطه معکوس می‌باشد، به این معنی که با افزایش این مقیاس گرایش به خودکشی کاهش می‌یابد. بین مقیاس جستجوی معنا با گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری یافت نشد.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقص در معناجویی و عدم ارضای نیازهای اساسی گلاسز گرایش به خودکشی در دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند. به علت عدم برقراری فرض نرمال بودن متغیر ملاک امکان استفاده از تحلیل رگرسیون وجود ندارد.

است. پژوهش‌های مختلفی ساختار عاملی و روایی سازه آن را تایید کرده‌اند. ذوالفقاری، فاتحی‌فر و عابدی ضریب اعتبار پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ برای پنج حوزه آن به این شرح به دست آوردند: بریدگی و طرد ۰/۹۱، خودگردانی و عملکرد مختل، ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل ۰/۸۳، دیگر جهت‌مندی ۰/۶۷ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه معنا در زندگی استگر و همکاران (MLQ): پرسشنامه معنا در زندگی استگر و همکاران (MLQ) توسط استگر، فریزر، اویشی و کالر در سال ۲۰۰۶ جهت ارزیابی وجود معنا و تلاش برای یافتن آن ارائه شده و اعتبار و پایایی و ساختار عاملی آن در پژوهش‌های مختلف با نمونه‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. این محققان برای ساخت این ابزار ابتدا ۴۴ آیت تهیه کردند و سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به دو عامل وجود معنا در زندگی و جستجوی معنا در زندگی با مجموع ۱۷ آیت دست یافتند. سپس در یک تحلیل عاملی تاییدی با حذف ۷ گویه به ساختار مناسب دو عاملی با ۱۰ گویه دست یافتند (۱۴).

پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسز: نیازهای اساسی گلاسز توسط ۳۵ سوال برای ۵ نیاز اساسی شامل نیاز به بقاء، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح سنجیده می‌شود که هر یک از نیازها بر اساس ۷ سوال و با مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند (۱۵). این مقیاس دارای ۷ آیت برای ۵ نیاز اساسی

بین نیازهای اساسی با گرایش به خودکشی در دانشجویان رابطه وجود دارد. اطلاعات بدست آمده از جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین مقیاس‌های نیازهای اساسی، شدت نیاز به بقاء و شدت نیاز به عشق، و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ دارند، پس با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت بین این مقیاس و گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. سطح معنی‌داری آزمون برای مقیاس ارضاء نیاز به بقاء، ارضاء نیاز به عشق، ارضاء نیاز به قدرت، ارضاء نیاز به آزادی و ارضاء نیاز به تفریح از ۰/۰۵ کمتر است پس با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت این مقیاس‌ها با گرایش به خودکشی رابطه معنی‌داری دارد، اما از طرفی مشخص است ضریب همبستگی در این زیر مقیاس‌ها منفی است بنابراین رابطه معکوس می‌باشد، به این معنی که با افزایش هر یک از این مقیاس‌ها گرایش به خودکشی کاهش می‌یابد بین سایر مقیاس‌ها نیازهای اساسی با گرایش به خودکشی رابطه معناداری یافت نشد.

جدول ۲. آزمون اسپیرمن به منظور بررسی رابطه بین نیازهای اساسی با گرایش به خودکشی

شدت نیاز به بقا	شدت نیاز به عشق	شدت نیاز به قدرت	شدت نیاز به آزادی	شدت نیاز به تفریح	
۰/۱۴۳	۰/۱۴۱	۰/۰۳۹	۰/۱۳۱	-۰/۰۰۳	R
۰/۲۴۰	۰/۲۴۹	۰/۷۵۱	۰/۲۸۲	۰/۹۸۱	P
۰/۰۲۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۰۹	r
میزان ارضای نیاز بقا	میزان ارضای نیاز عشق	میزان ارضای نیاز قدرت	میزان ارضای نیاز آزادی	میزان ارضای نیاز تفریح	
-۰/۲۴۴	-۰/۲۸۰	-۰/۱۲۹	-۰/۰۵۸	-۰/۲۲۹	R
۰/۰۴۴	۰/۰۲۰	۰/۲۹۱	۰/۶۳۶	۰/۰۵۶	P
۰/۰۵۹	۰/۰۷۸	۰/۰۱۶	۰/۰۰۳	۰/۰۵۲	r
تفاضل بین میزان ارضای نیاز و سطح ارضا نیاز بقا	تفاضل بین میزان ارضای نیاز و سطح ارضا نیاز عشق	تفاضل بین میزان ارضای نیاز و سطح ارضا نیاز قدرت	تفاضل بین میزان ارضای نیاز و سطح ارضا نیاز آزادی	تفاضل بین میزان ارضای نیاز و سطح ارضا نیاز تفریح	
۰/۳۳۱	-۰/۳۲۳	-۰/۳۱۱	-۰/۳۲۱	-۰/۳۶۰	R
۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	P
۰/۱۰۹	۰/۱۰۴	۰/۰۹۶	۰/۱۰۳	۰/۱۲۹	r

جدول ۳. آزمون اسپیرمن به منظور بررسی رابطه بین نقص در معنا جویی با گرایش به خودکشی

وجود معنا	جستجوی معنا	
-۰/۴۲۹	۰/۰۷۹	R
۰/۰۰۰	۰/۵۲۱	P
۰/۱۸۴	۰/۰۰۶	r

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقص در معناجویی و عدم ارضای نیازهای اساسی گلاس با گرایش به خودکشی در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. در واقع هر چه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افراد افزایش پیدا کند میزان گرایش به خودکشی افزایش پیدا می‌کند. همچنین رابطه بین نیازهای اساسی گلاس و معنای زندگی با گرایش به خودکشی یک رابطه معکوس می‌باشد، که این نشان دهنده آن است که با کاهش سطح ارضای نیازهای اساسی گلاس و عدم معنا در زندگی، گرایش به خودکشی در دانشجویان افزایش پیدا می‌کند.

طرحواره‌ها نقش بسزایی در گرایش افراد به خودکشی را دارا می‌باشند. یانگ معتقد است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه باعث تحریف‌های شناختی می‌شود که این تحریف‌ها موجب اختلال در برقراری ارتباط میان فردی و اجتماعی افراد می‌شوند (۱۶). وقتی که فرد انزوای اجتماعی پیدا می‌کند از انواع حمایت‌های اجتماعی دور شده و انواع اختلالات در آن شکل می‌گیرد که خودکشی هم می‌تواند یکی از آنها باشد. چرا که هرچه افراد از ایجاد ارتباط با دیگران دوری‌گزینی کنند افسردگی بر آنان غالب شده و افکار منفی جایگزین می‌شوند که این بسیار می‌تواند آسیب‌رسان باشد. همچنین مولفه‌های دیگری چون وابستگی/ بی‌کفایتی می‌باشند که رابطه معناداری با گرایش به خودکشی دارند (۱۷). این طرحواره‌ها اغلب خود را به صورت منفعل بودن و درماندگی افراطی نشان می‌دهد که وجود این طرحواره‌ها احساس بی‌کفایتی و خسته شدن از زندگی را برای فرد ایجاد می‌کند. این حالات می‌تواند نقش موثری در نارضایتی افراد در زندگی خود دارد (۱۸). همچنین دیگر طرحواره‌های که می‌توان به معنادار بودن آن با گرایش به

خودکشی اشاره کرد طرحواره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری می‌باشد چرا که افراد مبتلا به این طرحواره به درستی و صداقت دیگران اعتماد ندارند و سخت نگران این مساله هستند. به دیگران سوء ظن دارند و از آنها فاصله می‌گیرند که این باعث دوری‌گزینی آنها از اجتماع می‌شود و این دوری‌گزینی و ایجاد حالات افسردگی و نهایتاً گرایش به خودکشی داشته است (۱۹). همچنین در طرحواره نقص/ شرم نیز معنادار بودن گرایش به خودکشی را مشخص می‌کند که نشان دهنده این است که افراد مبتلا به این طرحواره احساس می‌کنند که در مهمترین جنبه‌های شخصیتی‌شان انسانی نامطلوب، بد، حقیر و بی‌ارزشی باشند یا اینکه در نظر افراد مهم زندگی‌اش فردی منفور و نامطلوب به حساب می‌آید. این طرحواره حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد، سرزنش، کمرویی، مقایسه‌های نابجا، احساس ناامنی در حضور دیگران و حس شرمندگی در ارتباط با عیب‌ها و نقص‌های درونی را دربر می‌گیرد که این عوامل نقش موثری از کاهش میزان رضایت فرد از خود داشته که باعث ایجاد افکار خودکشی در فرد می‌شود. از طرفی قابل ذکر است که اکثر مولفه‌هایی که معنادار بودن رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با گرایش به خودکشی را تبیین می‌کنند در حوزه طرد و بریدگی می‌باشند به طوری که یانگ معتقد است این بیماران نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند و آنان معتقدند نیاز به عشق ثبات و امنیت آنها برآورده نخواهد شد. همچنین معنا در زندگی افراد نقش بسزایی دارد به طوری که اگر فرد معنا زندگی خود را از دست بدهد دچار سردرگمی و پوچی در زندگی خود می‌شود. فرانکل معتقد است که انگیزه اصلی و هدف زندگی، گریز از درد و لذت بردن نیست، بلکه معنی‌جویی زندگی است که به زندگی مفهوم واقعی می‌بخشد، به

وضعیت درآمدی خانواده دانشجویان که بر سطح رضایت دانشجویان از وضعیت زندگی خود موثر است.

لذا پیشنهادهای پژوهشی به شرح زیر است:

۱- پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقص در معنایابی و عدم ارضایی نیازهای اساسی گلاسر را با سایر جنبه‌های روان شناختی دانشجویان از جمله مهارت‌های اجتماعی، افسردگی، استرس تحصیلی، اضطراب تحصیلی، رضایت زناشویی، تعهد زوجین، توانایی حل مسأله، رفتارهای ارتباطی، مثبت اندیشی، خودکارآمدی، جهت گیری هدف و غیره به انجام برسانند.

۲- همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که با توجه به این که پژوهش در جمعیت دانشجویی صورت گرفته است طبیعی است که معمولا دانشجویان از سلامت روان خوب برخوردار باشند و گرایش به خودکشی در میان این افراد توزیع نرمالی نداشته باشد.

همچنین می‌توان از این ابزار اندازه‌گیری جهت انجام پژوهش در جمعیت‌هایی که گرایش به خودکشی آنها احتمالا توزیع نرمال خواهد داشت مانند حوزه افراد مبتلا اعتیاد و همچنین افراد مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره و افراد زندانی استفاده نمایند.

تقدیر و تشکر

با تشکر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان و استاد محترم راهنما و کلیه کسانی که در این پژوهش یاری رساندند.

همین دلیل انسانها درد ورنجی را که معنی وهدفی دارد با میل تحمل می‌کنند (۱۶).

رفع نیازهای اساسی از جمله تلاش برای پیشرفت و رسیدن به موفقیت، این احساس را به فرد می‌دهد که هدفمند بوده و در حال رشد و ترقی است که این علائم بهزیستی روانی فرد را افزایش می‌دهند. به عبارتی هرچه فرد از لحاظ بقاء، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح بی‌نیازتر باشد، به سطح مطلوبی از سلامت روانی، بهزیستی روانی و نیز رضایت از زندگی خواهد رسید. نیازهای اساسی گلاسر می‌تواند بهزیستی روانی از جمله داشتن عزت نفس بالا، اعتماد به داشته‌های خویش، قبول توانایی‌های خود، بالا بودن سطح پذیرش اجتماعی فرد، داشتن روابط سازنده با دیگران، دیدی مثبت گرایانه نسبت به وقایع، داشتن اندیشه‌ای مثبت نسبت به مسائل، کنترل زندگی شخصی خویش، تسلط بر روابط اجتماعی، درک و شناخت درست محیط پیرامونی خود، اتکاء به توانایی‌های خویش، بالا بودن سطح خودکارآمدی، داشتن جهت‌گیری نسبت به هدف‌ها، پشتکار بالا در پیشبرد هدف‌های تعیین شده، توجه به رشد و پیشرفت خویش، تلاش در جهت ارتقای سطح دانش و آگاهی خود و غیره را افزایش دهد. زیرا رسیدن به قدرت، آزادی، بقاء و سایر نیازهای اساسی در فرد مستلزم آن است که رشد و پیشرفت برای فرد مهم و ضروری باشد (۲۲).

محدودیت‌های پژوهشی: (۱) عدم کنترل عوامل روانی از جمله ویژگی‌های

شخصیتی دانشجویان بر سطح ارضای نیازهای گلاسر، و برداشت دانشجویان از معنای زندگی؛ (۲) عدم کنترل عوامل محیطی از جمله محیط اجتماعی و خانوادگی که دانشجویان در آن زندگی می‌کنند؛ (۳) عدم کنترل عوامل اقتصادی از جمله

References

1. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/ Clinical Psychiatry. 11th ed. Wolters Kluwer: 2014; 184-90.
2. Watson PJ, Milliron JT, Morris RJ, Hood RW. Religion and rationality: comparative analysis of rational emotive and intrinsically religious irrationalities. *Journal of Psychology and Christianity* 1994; 13(4): 373-84.
3. Sardarpur Sh, Soltani Z, Shahrokh A. Mental health and fasting in ramazan. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2002; 30(8): 26-32 [In Persian].
4. Aliani Z, Homayoni M. Investigating the relationship between adherence to prayer and students' anxiety levels in Tabriz University (dissertation). Tabriz: Faculty of Educational Sciences and Psychology, Tabriz University; 2003.
5. Cormier A, Jourda B, Laros C, Walburg V, Callahan S. Influence between early maladaptive schemas and depression. *Encephale* 2011; 37(4): 293-8.
6. Dickman SJ, Meyer DE. Impulsivity and speed-accuracy tradeoffs in 11 information processing. *Journal of Personality and Social Psychology* 1988; 54: 274-90.
7. Hawton K, Townsend E, Arensman E, Gunnell D, Hazell P, House A. Psychosocial versus pharmacological treatment for deliberate self harm. *Cochrane Database Syst Rev* 2000; 2: CD001764
8. Kachadourian LK, Fincham F, Davila J. The tendency to forgive in dating and married couples: The role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships* 2004; 11(3): 373-93.
9. Kenyon G M. Philosophical foundation of existential meaning in Reker G T & Chamberlain K (Eds.). *Exploring Existential Meaning: Optimizing Human Development Across the Life Span*. Thousand Oaks, CA: Sage. 2000.
10. Ahmed M, Abdel-Khalek M. Happiness, health, and religiosity: Significant relation. *Mental Health, Religion & Culture* 2006; 9(1): 85-97.
11. Parrott L. *counseling and Psychotherapy*. Second Edition. 2003.
12. Steger Michael F, Patricia F. The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology, American Psychological Association* 2006; 53(1): 80-93.
13. Ghadiri D. Relationship between religious orientation and happiness of the elderly. *Journal of Iranian Aging* 2010; 5(18): 64-71 [In Persian].
14. Thimm T. Mediation of Early Maladaptive Schemas between perceptions of parental Rearing Style and Personality Disorder Symptoms. *J Behav Ther Exp Psychiatry* 2010; 41(1): 52-9.
15. Thompson SC, Sobolew-Shubin A, Graham MS, Janiqian AS. Psychosocial adjustment following a stroke. *Soc Sci Med* 1989; 28(1): 239-47.
16. Young J, Klosko J, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: The Guilford Press .2003.
17. Young JE. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Florida: Professional Resources press. 1999.
18. Young J, Klosko J, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: The Guilford Press. 2003.
19. Yang J, McCrae RR, Costa PT, Dai X, Yao S, Cai T, Gao B. Cross-cultural personality assessment in psychiatric populations: The NEO-PI—R in the people's Republic of China. *Psychological Assessment* 1999; 11(3): 359-68.



Prediction of suicide tendency in students based on spirituality, basic needs satisfaction and early maladaptive schemas

Received: 29 Mar. 2017

Accepted: 31 Dec. 2018

Ebrahimi ME (PhD)^{1*}

Shiripour O (MSc)²

Zamani N (PhD)³

Sahebi A (PhD)⁴

1. Department of Psychology, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

2. Department of Psychology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

3. Young Researchers Club, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

4. William Glaser institute, Sydney, Australia.

*Corresponding Author:

Ebrahimi ME

Department of Psychology, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Tel: +98 9185410219

Fax: +98 8134297512

Email: ms.ebrahimi@iauh.ac.ir

Abstract

Introduction: Suicide is interpreted as an attempt to validate life or to leave everything. Therefore, the aim of this study was to investigate the relationship between early maladaptive schemas, lack of meaning finding and Glaser's basic needs dissatisfaction with student's suicide.

Methods: The foundational study is methodologically comparative, correlational and descriptive. The population included all upper diploma, B.A. and M.A. students of Hamedan Islamic Azad University, who were in the first semester of academic years of 2015-2016 in different faculties. The testees answered to questionnaires about suicidal thoughts, Young's maladaptive schemas, meaning finding and Glaser's basic needs and the results were analyzed using statistical methods. Spearman's correlation method was used to investigate the hypotheses.

Findings: The results indicated that there was a significant relationship between Glaser's basic needs and early maladaptive schemas with life meaning with suicide tendency among the students of Hamedan Islamic Azad University.

Conclusion: The results indicate that there is a reverse relationship between Glaser's basic needs and early maladaptive schemas with life meaning with suicide tendency, representing that the tendency to suicide can be increased by lack of life meaning and decreasing the Glaser's basic needs satisfaction.

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Meaning finding, Basic Needs, Suicide